

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

Insulting Persian Ethnicities and Religious Minorities
in Iranian Criminal Law

Authors: Ali Namdari Dehghadi | Kazem Koohi Esfahani

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248116.3747>

اهانت به اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در حقوق کیفری ایران

نویسندگان: علی نامداری دهقادی | کاظم کوهی اصفهانی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2025.248116.3747>



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

Insulting Persian Ethnicities and Religious Minorities in Iranian Criminal Law

Ali Namdari Dehghadi • LLM in Criminal Law and Criminology, Faculty of Islamic Studies
and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

a.namdari.d@gmail.com

Kazem Koohi Esfahani • Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology,
Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. koohi@isu.ac.ir

Abstract

Context & Objective: The inclusion of Article 499-bis in the Islamic Penal Code of Iran, added in 2020, marks a significant development in Iranian criminal law. This provision criminalizes insulting Iranian ethnicities, divine religions, and Islamic sects recognized by the Iranian Constitution, categorizing such actions as offenses against national security. This legal framework aims to bolster national unity and prevent actions that could harm it. The purpose of this research is to critically analyze the criminalization of such insults, with a focus on the unique legal structure introduced by this article. The primary research question is to explore the differences between this new provision and similar offenses in the Iranian Penal Code as well as Western hate crime laws.

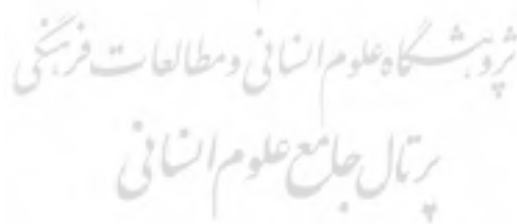
Method & Approach: This research employs a doctrinal method and an inductive approach, relying on a wide range of authoritative criminal law sources. The study also incorporates detailed records from the Iranian Parliament (*Majlis*) and the Guardian Council to provide a comprehensive examination of the article's legal context. The analysis delves into the key components of the criminal offense defined in this article, examining the interpretive challenges and ambiguities present in the text and the judicial practices surrounding its implementation.



Findings: The research reveals that Article 499-bis establishes two distinct criminal categories—those "result-oriented" and "not result-oriented." It also highlights that the law requires a specific intent to create societal violence or tension in the perpetrators, distinguishing it from hate crimes, where the motive is central. Additionally, the study points out the lack of relevance of the perpetrator's motive in the commission of this crime, contrasting it with the approach in hate crime legislation. These findings underscore the unique legal framework established by this provision and its implications for the Iranian criminal justice system.

Conclusion: The study concludes that the analysis of Article 499-bis provides valuable insights into the criminalization of insulting ethnicities and religious minorities in Iran. It offers a clearer understanding of the Iranian legislator's intent and the structural elements that differentiate this crime from other legal frameworks, such as hate crimes. These findings have significant implications for interpreting the law in judicial practice and for comparative legal studies, potentially contributing to a more precise application of the law and fostering a deeper understanding of its broader social and legal impacts.

Keywords: Insult Offense, Hate Crimes, Islamic Sects, Divine Religions, Persian Ethnicities.



اهانت به اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در حقوق کیفری ایران

علی نامداری دهقادی • دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
a.namdari.d@gmail.com
کاظم کوهی اصفهانی • استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
koohi@isu.ac.ir

چکیده

ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۹۹)، نقطه عطفی در حقوق کیفری ایران محسوب می‌شود که برای نخستین بار، به صورت مستقل به جرم‌انگاری هتک حرمت اقوام، مذاهب و ادیان پرداخته است. این ماده با تصریح بر مجرمانه‌بودن توهین به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و مذاهب اسلامی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی، این رفتارها را در زمره جرایم علیه امنیت ملی قرار داده که حاکی از اراده جدی قانون‌گذار در حمایت از وحدت ملی و مقابله سخت با رفتارهای مغایر با آن است. تحلیل ساختار حقوقی این ماده نشان می‌دهد که قانون‌گذار با طراحی نظامی مستقل و منحصر به فرد، ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده این جرم را به گونه‌ای ترسیم کرده که از جرم توهین ساده مندرج در مواد عمومی قانون مجازات اسلامی، و نیز از جرایم نفرت‌مدار (Hate Crimes) در نظام‌های حقوقی غربی، تفاوت‌های ماهوی قابل توجهی دارد. این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع معتبر حقوق کیفری و نیز مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان سامان یافته، به بررسی تفصیلی ابعاد جرم‌انگاری موضوع ماده صدرالذکر پرداخته و مؤلفه‌های اصلی این جرم را به تفصیل واکاوی کرده، و به تحلیل چالش‌های تفسیری ناشی از ابهامات موجود در متن ماده و رویه قضایی پرداخته است. پیش‌بینی هم‌زمان دو عنوان مجرمانه مقید به نتیجه و غیر مقید به نتیجه در این ماده، ضرورت وجود قصد خاص ایجاد خشونت یا تنش در جامعه در مرتکبان این جرم، و در عین حال، عدم موضوعیت انگیزه مرتکب برای تحقق این جرم (بر خلاف جرایم نفرت‌مدار)، از جمله مهم‌ترین نتایج تحلیلی به‌دست‌آمده در این پژوهش است. یافته‌های این تحقیق می‌تواند در فهم ابعاد مختلف این جرم و تفسیر صحیح از مفاد آن مبتنی بر مراد قانون‌گذار و بالمآل، بهره‌برداری دقیق‌تر از آن در رویه قضایی مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: جرم توهین، جرم نفرت‌مدار، مذاهب اسلامی، ادیان الهی، اقوام ایرانی.



مقدمه

اهانت‌های قومی، دینی و مذهبی ازجمله واقعیت‌های اجتماعی در ایران است که در چند دهه گذشته در برخی مواقع منجر به ناامنی شده و نظم عمومی و یکپارچگی کشور را تحت‌الشعاع قرار داده است. این موضوع و به‌طور خاص اهانت‌های مذهبی چنان اهمیت یافت که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با صدور فتوایی صراحتاً اعلام داشتند «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت ازجمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام، عایشه، حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به‌ویژه سیدالانبیاء، پیامبر اعظم حضرت محمد (صلی‌الله علیه و آله) می‌شود».^۱ در همین راستا، با توجه به خلأ تقنینی در مواجهه با این‌گونه رفتارهای ناصواب، قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۹، اقدام به تصویب ماده ۴۹۹ مکرر و الحاق آن به قانون مجازات اسلامی کرد. با توجه به توضیحات پیش‌گفته می‌توان اذعان کرد که تصویب ماده ۴۹۹ مکرر همراه با رعایت اصولی ازجمله نیازمحوری، به‌روز بودن و واقع‌گرایی صورت گرفته است (اسلامی، ۱۳۹۷، صص. ۶۳-۶۲).

جدیدالتصویب بودن این ماده در کنار فقدان سابقه تقنینی در این زمینه، بررسی ماهوی این مقرر و ارکان تشکیل‌دهنده این جرم را بر اساس اصول حقوقی ضروری می‌نماید. بروز برخی اختلافات در برداشت از منطوق این ماده و نیز طرح برخی ابهام‌های مفادی از سوی صاحب‌نظران حقوقی و قضات محاکم، جملگی نشان می‌دهد که تحلیل دقیق اجزای مختلف عنصر مادی و معنوی این جرم لازم است. ما در این نوشتار درصددیم با استفاده از اصول حقوقی و لفظی، منطق برداشت صحیح از متن، مراجعه به مشروح مذاکرات مقنن در حین وضع مصوبه، مراجعه به مشروح مذاکرات شورای نگهبان در حین نظارت بر این مصوبه، بهره‌گیری از دلایل توجیهی طرح ارائه‌شده به مجلس و سایر قرائن و امارات در دسترس، در جهت نیل به غرض واقعی قانون‌گذار از وضع این مصوبه قدم برداریم و تحلیلی جامع از ارکان تشکیل‌دهنده این جرم ارائه کنیم. گفتنی است با توجه به بدیع بودن ماده ۴۹۹ مکرر، تاکنون پژوهشی مستقل در خصوص تحلیل حقوقی ارکان تشکیل‌دهنده این جرم صورت نگرفته است. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و استفاده از

۱. روزنامه رسالت، ۱۳۸۹/۷/۱۱، ص. ۳.

منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۱. پیشینه تاریخی جرم‌انگاری اهانت‌های دینی، قومی، مذهبی و نژادی

در قوانین کیفری بسیاری از کشورها جرائم علیه قربانی با دلایل قومی و مذهبی با عنوان «جرائم نفرت‌مدار»^۱ شناخته می‌شوند. جرائم نفرت‌مدار به جرائمی اطلاق می‌شود که اصولاً از حیث عنصر مادی و معنوی، مشابه سایر جرائم هستند، لیکن علاوه بر قصد مجرمانه، انگیزه مرتکب نیز به طور خاص در تحقق جرم مداخلت دارد. این انگیزه می‌تواند مشتمل بر انگیزه‌های سیاسی، نژادی، جنسیتی، ملی یا دینی یا تلفیقی از دو یا چند مورد از اینها باشد. جرائم نفرت‌مدار صرفاً محصور در اغراض قومی و مذهبی نیست، بلکه شامل انگیزه‌های جنسیتی، سیاسی، نژادی، ملی، دینی و... می‌شود. بخش a قانون کنترل جرائم خشن و اجرای عدالت مصوب ۱۹۹۴ و قانون جرائم ناشی از نفرت مصوب سال ۲۰۰۰ نیویورک اشعار می‌دارد که جرم نفرت‌مدار، جرمی است که مجرم، بزه‌دیده را بر اساس ویژگی‌هایی از جمله نژاد، رنگ، مذهب، هویت ملی، قومیت، جنسیت، معلولیت یا تمایل جنسی انتخاب می‌کند حتی اگر بزه‌دیده واقعاً به گروه یا جامعه مدنظر مجرم تعلق نداشته باشد (Hudson, 2009, p. 15). بدین ترتیب، آنچه باعث تفاوت بین جرم مبتنی بر نفرت از سایر جرائم می‌شود، انگیزه تعصب و نفرت در این گونه جرائم است (فخر و صادقی، ۱۳۹۵، ص. ۲۳). به عبارت دیگر، جرم نفرت‌مدار جرمی است که در آن نشانه‌های واضحی از تعصب بر اساس مذهب، گرایش جنسی، نژاد یا قومیت وجود دارد (Shaw & Barchachat, 2002, p. 7).

آمریکا و انگلستان اولین کشورهایی هستند که در قوانین خود این گونه رفتارها را با عنوان جرائم نفرت‌مدار، جرم‌انگاری کرده‌اند (Hudson, 2009, pp. 12-14; Jacobs & Potter, 1998, p. 4). قانون آمار جرائم ناشی از نفرت ۱۹۹۰^۲، قانون کنترل جرائم خشن و اجرای عدالت ۱۹۹۴^۳، قانون خشونت علیه زنان ۱۹۹۴^۴، قانون افزایش مجازات جرائم نفرت‌مدار ۱۹۹۵^۵، قانون

1. Hate Crimes

2. Hate Crime Statistics Act 1990.

3. Violent Crime Control and Law Enforcement Act of 1994.

4. Violence Against Women Act 1994.

5. Hate Crimes Penalty Enhancement Act of 1995.

پیشگیری از کلیساسوزی ۱۹۹۶^۱ و قانون اجرای قانون محلی پیشگیری از جرایم نفرت‌مدار ۲۰۰۹^۲ از جمله قوانینی هستند که در آمریکا ناظر به جرائم نفرت‌مدار تصویب شده است. در قوانین انگلستان در این حوزه می‌توان به قانون نظم عمومی ۱۹۸۶^۳، قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸^۴، قانون مبارزه با تروریسم، جرم و امنیت ۲۰۰۱^۵ و قانون تنفر نژادی و مذهبی ۲۰۰۶^۶ اشاره داشت. قوانین فوق تصریحاً و در برخی موارد تلویحاً، ارتکاب هرگونه جرم از جمله اهانت نسبت به دیگری با دلایل نژادی، مذهبی، جنسیتی و معلولیت را مشمول عنوان جرم نفرت‌مدار دانسته‌اند. برای مثال، مفاد قانون تنفر نژادی و مذهبی بیان می‌کند که بیان هر نوع لفظ، رفتار، اطلاعات تهدیدآمیز و موهن یا دشنام، اگر از نظر عرف جامعه باعث برانگیختن نفرت نسبت به گروه مذهبی یا نژادی شود، جرم است؛ البته جهت تحقق جرم مزبور لازم است «تهدیدکننده بودن آن رفتار» و نیز «قصد برانگیختن تنفر مذهبی در مرتکب» اثبات شود (Neil & Garland, 2009, p. 41).

توهین ساده و حالات مشدده آن به اعتبار مقام مخاطب، به اعتبار جنسیت، به اعتبار قداست طرف توهین، به اعتبار نحوه و وسیله ارتکاب و به اعتبار ماهیت انتساب در قوانین کیفری ایران وجود داشته است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۴۷۹)، لیکن به‌رغم رویکرد افتراقی و سخت‌گیرانه پیش‌گفته نسبت به اهانت‌های قومی، نژادی و مذهبی در قوانین برخی کشورهای دنیا، رفتار مزبور در قوانین ایران تا پیش از سال ۱۳۹۹ واجد وصف مجرمانه خاص نبود. با توجه به وقوع برخی رفتارهای موهن نسبت به اقوام، ادیان و مذاهب اسلامی و مخاطرات نامطلوب آن بر امنیت عمومی، انسجام و یکپارچگی ملی و ایجاد شکاف‌های قومی و مذهبی و دینی در کشور، جرم‌انگاری اهانت به اقوام ایرانی، ادیان الهی و مذاهب اسلامی در قالب طرحی یک‌فوریتی از سوی ۸۱ نفر از نمایندگان مجلس یازدهم در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۹۷ به مجلس ارائه شد. ارائه‌دهندگان در مقدمه توجیهی این طرح در تبیین ضرورت آن بیان کرده‌اند که به‌رغم پیش‌بینی

-
1. Church Arson Prevention Act 1996.
 2. Local Hate Crime Prevention Act 2009.
 3. Public Order Act 1986.
 4. Crime and Disorder Act 1998.
 5. Anti-Terrorism, Crime and Security Act 2001.
 6. Racial and Religious Hatred Act 2006.

جرم اهانت به اشخاص در فصل ۲۷ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، تاکنون درباره اهانت‌های قومی و مذهبی و دینی، جرم‌انگاری قانونی صورت نگرفته است حال آنکه اهمیت و آثار چنین اهانت‌هایی بیش از اهانت به اشخاص عادی است. براین اساس، جرم‌انگاری اهانت به گروه‌های قومی و مذهبی در جامعه ایرانی ضرورت دارد. این طرح پس از بررسی‌های کارشناسانه در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۳۰ با عنوان «طرح الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و جهت بررسی به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه در شورای نگهبان از چند جهت، مبهم و در یک مورد مغایر با موازین شرع شناخته شد و برای رفع ایرادها، در دو مرحله به مجلس بازگردانده شد. سرانجام با اصلاحات مجلس، این مصوبه در مرحله سوم، در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ در شورای نگهبان مطرح شد و به تأیید رسید. با تصویب این قانون، برای نخستین بار عنوان مجرمانه اهانت به اقوام ایرانی، ادیان الهی و مذاهب رسمی مصرح در قانون اساسی، به‌طور خاص وارد نظام کیفری ایران شد.

۲. ارکان جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹

۲.۱. رکن قانونی

قانون‌گذار ایران اهانت به قومیت‌های ایرانی، ادیان الهی و مذاهب اسلامی را در ماده ۴۹۹ مکرر جرم‌انگاری کرده است. این ماده در فصل نخست کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) جای‌گذاری و بنابراین، در نظر قانون‌گذار ازجمله «جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» شمرده شده است. این ماده مقرر می‌دارد که «هرکس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن، به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم و در غیر این صورت به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود.

تبصره ۱- منظور از توهین، موارد مندرج در "قانون استفساریه نسبت به

کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ۵۱۳،

۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد

۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴^۱ می‌باشد.

تبصره ۲- چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود و یا از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود.

همان‌گونه که بیان شد، قانون‌گذار این موضوع را در زمره جرائم علیه امنیت کشور محسوب کرده است. به عبارت دیگر، آن را از جمله مهم‌ترین و حساس‌ترین جرائم که تأثیرات گسترده بر جامعه و نظام سیاسی دارد، قلمداد کرده است. اتخاذ این رویکرد سخت‌گیرانه با توجه به ویژگی‌های جرائم امنیتی و نیز محدودیت‌های ناظر بر رسیدگی به این جرائم در نظام حقوقی ایران^۲، شایسته بررسی و ارزیابی علمی است. به‌طورکلی، جرائم امنیتی به جرائمی اطلاق می‌شود که امنیت ملی، عمومی یا نظم سیاسی کشور را به خطر می‌اندازد. این جرائم معمولاً با اهداف سیاسی، ایدئولوژیک یا اقتصادی انجام می‌شود و شامل فعالیت‌هایی مانند جاسوسی، تروریسم، خرابکاری، اقدامات علیه حاکمیت ملی و... می‌شود. جرائم امنیتی به دلیل ارتباط مستقیم با امنیت ملی و عمومی و تأثیرات گسترده و عمیقی که بر ثبات و امنیت یک کشور و نظام سیاسی حاکم دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (جعفری، ۱۳۹۸، ص. ۴۵) و معمولاً با مجازات سنگینی نیز همراه هستند (احمدی، ۱۳۹۶، ص. ۳۴).

حسب تعریف و ویژگی‌های فوق‌الذکر از جرائم امنیتی، به نظر می‌رسد توهین به اقوام ایرانی، ادیان الهی و مذاهب اسلامی نیز می‌تواند مستقیماً امنیت عمومی و وحدت ملی کشور را در سطوح

۱. ملاحظه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که رسیدگی به جرائم امنیتی در مراحل مختلف تعقیب، تحقیق، دستگیری، محاکمه و صدور حکم، با محدودیت‌های متعدد و خاصی روبه‌روست و متهمان این جرائم در مقایسه با متهمان سایر جرائم، با تضییقات گسترده‌ای مواجه‌اند. رسیدگی قضایی مجرمانه و غیرعلنی، رسیدگی در دادگاه‌های ویژه، بهره‌گیری گسترده‌تر از قرار بازداشت موقت متهمان این جرائم و مدت زمان طولانی بازداشت، محدودیت دسترسی به وکیل و درنهایت، امکان صدور و اعمال مجازات مشدد و تکمیلی، از جمله این موارد است. برای آگاهی بیشتر در این خصوص، ر.ک به: صفاری، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۳؛ محمدی، ۱۴۰۰، صص. ۸۹-۹۵؛ جعفری، ۱۳۹۸، ص. ۶۷؛ شریفی، ۱۴۰۱، ص. ۶۰.

خرد و کلان تحت‌الشعاع قرار دهد؛ کما اینکه در برخی وقایع اتفاق افتاده در سال‌های اخیر نیز امنیت کشور تحت تأثیر این‌گونه رفتارها قرار گرفت و برخی تنش‌های منطقه‌ای و گاه ملی را موجب شد. در این خصوص، برخی از نویسندگان بیان داشته‌اند که توهین به ارزش‌ها و مقدسات دینی باعث بروز و ظهور خشونت و تفرقه در جامعه می‌شود که این امر علاوه بر صدمه به امنیت ملی، می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را در مقایسه با جرم توهین به سایر شهروندان به دنبال داشته باشد (اللهی‌منش و مرادی، ۱۳۹۸، ص. ۷۵). بر این اساس، با نظر داشت بافت متنوع دینی و مذهبی در ایران و نیز تنوع گسترده قومیت‌ها در کشور و توجه به واقعیت‌های میدانی و تجارب پیشینی رخ داده، اقدام قانون‌گذار در احتساب ماده ۴۹۹ مکرر به عنوان یکی از مواد فصل مربوط به جرائم علیه امنیت، اقدامی قابل دفاع به نظر می‌رسد؛ هر چند برخی محدودیت‌های در نظر گرفته شده در فرایند رسیدگی به جرائم امنیتی در آیین دادرسی کیفری، غیر ضروری و مغایر با حقوق متهمان این جرائم است که در جای خود، نیازمند بازنگری و اصلاح است.

۲.۲. رکن مادی

رکن مادی هر جرم صرفاً ناظر به رفتار فیزیکی مرتکب نیست، بلکه ناظر بر شرایط و اوضاع و احوالی بوده که قانون‌گذار آن‌ها را برای ارتکاب جرم لازم دانسته و نیز وقوع نتیجه مجرمانه (در جرائم مقید) و احراز رابطه سببیت میان رفتار مجرمانه و نتیجه مجرمانه است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۹۶؛ اردبیلی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص. ۲۳۵؛ گلدوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۹۵).

تحقق رکن مادی جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر نیز مانند سایر جرائم نیازمند وجود اجزای پیش‌گفته است که لازمه آن، داشتن آگاهی و شناخت دقیق از این اجزاست. از این رو، با عنایت به نوظهور بودن مفاد ماده ۴۹۹ مکرر در حقوق کیفری ایران، تحلیل و بررسی ارکان آن و نسبت آن با ارکان جرم توهین (به عنوان رفتار اصلی) ضرورت دارد؛ همچنان‌که تبصره ۱ ماده ۴۹۹ مکرر نیز منظور از توهین را به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت، ارجاع داده است.

۲.۲.۱. رفتار مجرمانه

در ارتکاب هر جرم، رفتار مجرمانه همچنان‌که همه حقوق‌دانان (با اندکی اختلاف در تعبیر) بیان داشته‌اند، می‌تواند به سه شکل کلی ظهور یابد که عبارت است از فعل، ترک فعل و حالت (اردبیلی،

۱۳۹۸، ج ۱، صص. ۱۸۵-۱۹۰؛ میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۹۶؛ صفاری، ۱۳۹۵، ص. ۸۹؛ گلدوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۶. در ماده ۴۹۹ مکرر، «توهین» رفتار فیزیکی لازم جهت تحقق جرم است. از این رو، واکاوی مفهوم حقوقی توهین ضروری است تا مشخص شود این عملیات در قالب کدام یک از اشکال رفتارهای مجرمانه قابلیت تحقق دارد.

تبصره ۱ ماده ۴۹۹ مکرر در بیان مقصود از توهین مقرر می‌دارد که «منظور از توهین، موارد مندرج در قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴ می‌باشد». در استفساریه فوق‌الذکر، توهین به این شرح تعریف شده است که «از نظر مقررات کیفری، اهانت و توهین و... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ، توهین تلقی نمی‌گردد». چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این استفساریه، ارتکاب توهین هم از طریق «به کار بردن الفاظ» و هم از طریق «انجام اعمال و حرکات» ممکن دانسته شده است. بر این اساس، انواع توهین در دو دسته کلامی و عملی قرار می‌گیرد. توهین کلامی با انجام فعل مثبت مادی از طریق ادای الفاظ در قالب واژه یا واژگان یا عبارات و اصطلاحات زبانی محقق می‌شود و توهین عملی، غالباً با انجام فعل مثبت از طریق غیر از به‌کارگیری لفظ و کلام صورت می‌گیرد. بر این اساس، در توهین عملی و غیرکلامی، مرتکب با نوشتن کلمات تحقیرآمیز یا با اعمال یا حرکات خاص بدنی یا با اشاره به چیزی که دلالت بر استخفاف و تحقیر دارد، رفتار مجرمانه را محقق می‌کند. با توجه به عمومیت تعریف مزبور، نفرت‌پراکنی صرفاً ناظر به بیان و سخن نیست، بلکه شامل اعمال غیرزبانی نیز می‌شود (سودمندی و مستقیمی قمی، ۱۳۹۰، ص. ۲). بدیهی است توهین به صورت مرکب و با تلفیقی از الفاظ و عبارات تحقیرآمیز و در عین حال، با انجام حرکات و اعمال استخفافی نیز قابلیت تحقق دارد.

تدقیق در عبارات به‌کاررفته در قانون استفساریه و توضیحات پیش‌گفته درباره آن نشان می‌دهد که توهین موضوع ماده ۴۹۹ مکرر اغلب از طریق فعل قابلیت تحقق دارد. بنابراین، رفتار موضوع این ماده علی‌الاصول در قالب ترک فعل محقق نمی‌شود مگر اینکه عرف خاص مسلمی وجود داشته باشد که نوعی از ترک فعل را توهین تلقی کند. برای مثال، عدم رعایت احترام نظامی

نسبت به مافوق در میان نظامیان، در عرف خاص نظامی آنان، نوعی بی‌احترامی و استخفاف به شمار می‌آید و می‌تواند مصداق توهین از نوع ترک فعل تلقی شود.

تحقق جرم در قالب «حالت»، به‌طورکلی در برخی شرایط خاص می‌تواند رفتار مجرمانه شماری از جرائم را تشکیل دهد. در این جرائم، قانون‌گذار رفتار مجرمانه لازم برای تحقق جرم را مشتمل بر وضعیتی خاص در مرتکب و داشتن حالتی خاص در او تعریف می‌کند و این حالت را در قانون به‌عنوان رفتار مجرمانه مورد تصریح قرار می‌دهد. ولگردی یا تکدیگری مصادیقی از جرائم تعریف‌شده در قانون است که به‌صورت حالت و وضعیت خاص مرتکب، قابلیت تحقق دارد. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که رفتار مجرمانه موضوع ماده ۴۹۹ مکرر و توهین کلامی یا عملی لازم برای ارتکاب این جرم، در قالب «حالت» قابلیت تصور ندارد.

با روشن شدن ماهیت رفتار مجرمانه در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر، پرسش مهمی که لازم است بدان پرداخته و پاسخ داده شود، ملاک و معیار تشخیص کلمات، افعال یا ترک فعل‌های ناظر بر توهین و استخفاف و بازشناسی آن از رفتارهای مشابه است. به‌عبارت‌دیگر، در مقام عمل چگونه می‌توان رفتاری را موجب توهین، تحقیر یا استخفاف دانست و آن را از دیگر رفتارها بازشناخت؟ این مهم به‌ویژه نزد مقام قضایی و حین رسیدگی و صدور حکم نسبت به پرونده‌های مطروح، اهمیت مضاعف دارد. در این زمینه ماده واحده استفساریه فوق‌الذکر، تعیین تکلیف کرده است و به‌درستی «عرف» را ملاک تشخیص توهین و استخفاف از غیر آن معرفی می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، احراز موهن بودن رفتار ارتكابی و تفکیک آن از رفتارهای عادی و غیرموهن وابسته به قضاوت عرف است. منظور از عرف در اینجا آن است که رفتار مرتکب از نظر جامعه‌ای که متعلق به آن است، اهانت تلقی شود. براین اساس، چنانچه رفتار ارتكابی نزد خود مرتکب، اهانت تلقی شود، اما عرف اجتماعی و افراد متعارف جامعه آن را اهانت نداند، توهین محقق نمی‌شود؛ زیرا عرف به‌عنوان قانون نانوشته اجتماعی، حسب شرایط زمانی و مکانی، اوضاع و احوال موجود در قضیه و نیز نظر به جایگاه مرتکب و نیز مخاطب رفتار و نسبت میان این دو، در خصوص موهن بودن یا نبودن آن قضاوت می‌کند. این قاعده در خصوص مخاطب رفتار نیز صادق است؛ یعنی اگر مخاطب، رفتار مرتکب نسبت به خود را توهین تلقی کند درحالی‌که عرف چنین تلقی‌ای نداشته باشد و رفتار مرتکب را موهن نداند، توهین محقق نمی‌شود. در همین راستا، شعبه

پنجم دیوان عالی کشور در یکی از آرای خود به شماره ۱۵۶۵ مورخ ۱۳۱۹/۵/۱۷، به‌خوبی مناط تشخیص عرفی الفاظ دال بر فحاشی از غیر آن را به دست داده که منطبق با تحلیل ارائه‌شده اخیرالذکر است. در این رأی آمده است که «فحش بودن یا فحش نبودن یک لفظ، مفهومی است که به اعتبار زمان و مکان تغییرپذیر می‌باشد و تشخیص آن با در نظر گرفتن عرف و عادت، زمان و مکان و شخصیت طرفین بر عهده دادگاه است».

علاوه‌براین، توهین کلامی نیز گاه صریح و شفاف است مانند به کار بردن الفاظ رکیک، اما در برخی دیگر از موارد، ممکن است منطوق و ظاهر الفاظ موهن نباشد، اما مفهوم آن حاوی اهانت و استخفاف باشد. به همین علت باید موهن بودن آن اثبات و احراز شود. درمجموع، برخی افعال و الفاظ، صریحاً موهن نیستند، بلکه با توجه به نحوه تلفظ، موقعیت زمانی و مکانی یا شخصیت مخاطب، موهن محسوب می‌شوند (سامری، ۱۳۹۳، ص. ۴۲). پرواضح است که در صورت استفاده از الفاظ و عبارات موهن نسبت به اقوام ایرانی، ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مانند به کار بردن الفاظ رکیک یا جسارت و شتم نسبت به اعتقادات و باورهای مسلم آنها به انحای مختلف، در صورتی که صراحتاً دلالت بر توهین به یکی از سه گروه فوق‌الذکر کند، مثبت رفتار مجرمانه مرتکب است و نیازی به احراز محتوای وهن‌آمیز آن نیست، لیکن استفاده از الفاظ یا رفتارهای موهن غیرصریح، دویلهو و مبهم در خصوص هرکدام از گروه‌های مزبور، نیازمند بررسی و احراز است؛ زیرا هرکدام از رفتارهای مزبور لازم است که بر اساس فضای اعتقادی، فرهنگی و گفتمان حاکم (باور عمومی) تجزیه و تحلیل شوند تا مشخص شود که آیا در ساختار فرهنگی اعتقادی موجود، اهانتی صورت گرفته است یا خیر؟ برای مثال، گاه رفتار ارتكابی فرد نسبت به یک نماد، ظاهراً عادی به نظر می‌رسد درحالی‌که مرتکب به‌طور هدفمند آن رفتار را انجام داده است. از طرفی در ساختار فرهنگی و اعتقادی یکی از اقوام ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی، رفتار مزبور دقیقاً یکی از اعتقادات مسلم یا نمادهای مقدس آنها را زیر سؤال می‌برد و توهین و استخفاف آنها تلقی می‌شود.

همچنین، همان‌گونه که برخی محققان در خصوص رفتار فیزیکی جرم توهین ساده بیان کرده‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۴۸۱)، در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر نیز رفتار فیزیکی می‌تواند به‌طور سنتی از طریق گفتار، کردار، نوشتار و حتی اشارات دست و چشم و امثال آن یا با وسایل ارتباطی مدرن مانند ارسال ایمیل، پیامک یا سایر پیام‌های متنی یا با نشر در روزنامه و

رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی یا با نطق در مجامع و محافل انجام شود. همچنین، امکان ارتکاب این رفتارها در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز قابل تحقق و انجام است. مطابق توضیحات پیش‌گفته، در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان بیان کرد که توهین چه به صورت کلامی و چه به صورت عملی، در شرایطی مصداق رفتار مذکور در ماده ۴۹۹ مکرر است که عرفاً حاوی نوعی تحقیر، استخفاف و هتک حرمت نسبت به یکی از اقوام ایرانی، مذاهب اسلامی یا ادیان الهی باشد؛ به گونه‌ای که حسب مورد، هویت جمعی آن‌ها را به دلایل نژادی، مذهبی یا دینی مورد خدشه قرار دهد و موجب وهن شود. بدین ترتیب، توهین به هویت جمعی گروه‌های قومی، پیروان مذاهب یا ادیان الهی می‌تواند از طرق مختلف از جمله اهانت نسبت به نوع پوشش، تاریخ، مقدسات، اعتقادات، عبادات، زبان، گویش و... و نیز با استفاده از وسایل سنتی یا مدرن اعم از فضای حقیقی یا مجازی صورت پذیرد؛ مشروط به اینکه هریک از این رفتارها از لحاظ عرفی، به نوعی دلالت بر استخفاف و تحقیر هویت قومی، مذهبی یا دینی کند. در این صورت هریک از این رفتارها مستقلاً یا در ترکیب با رفتارهای دیگر، از مصادیق عرفی توهین قلمداد می‌شود که مقام قضایی در مقام تشخیص، با در نظر گرفتن همه جوانب پیش‌گفته، نسبت به توهین‌آمیز بودن یا نبودن رفتار ارتكابی مرتکب، حکم مقتضی را صادر می‌کند.

۲.۲.۲. شرایط و اوضاع و احوال

به طور کلی، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق هر جرم، وجودی (ایجابی) یا عدمی (سلبی) است. ایجابی مثل لزوم زنده بودن شخص جهت تحقق جرم قتل نسبت به او و عدمی مثل عدم رضایت قربانی جهت تحقق زنای به عنف (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۱۱۰). شرایط و اوضاع و احوال مؤثر در تحقق یک جرم در قالب مؤلفه‌های مختلف مورد توجه قانون‌گذار قرار می‌گیرد که عبارت است از ۱. وسیله مجرمانه، ۲. زمان ارتکاب جرم، ۳. مکان ارتکاب جرم، ۴. هویت بزه‌دیده، ۵. هویت بزه‌کار و ۶. تعداد مرتکبان. گفتنی است هرکدام از مؤلفه‌های مزبور بر اساس تعریفی که قانون‌گذار برای تحقق جرم ارائه کرده است، حسب مورد می‌تواند به عنوان عنصر مقوم و ضروری در تحقق اصل جرم یا به عنوان عامل تخفیف یا تشدید مجازات ایفای نقش کند یا اساساً هیچ تأثیری در تشکیل جرم یا میزان مجازات نداشته باشد. در ادامه، هریک از مؤلفه‌های فوق و نقش آن‌ها در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر را بررسی می‌کنیم.

الف. وسیله ارتکاب جرم

بنا بر نص ماده ۴۹۹ مکرر، برای تحقق جرم موضوع این ماده، هیچ وسیله خاصی به عنوان عنصر مقوم و ضروری لحاظ نشده است. به همین دلیل، جرم توهین به اقوام ایرانی، مذاهب اسلامی و ادیان الهی به هر وسیله‌ای که ارتکاب یابد، مشمول جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر و مجازات آن است، لیکن در تبصره ۲ این ماده، ارتکاب این جرم با استفاده از «ابزارهای ارتباط جمعی» در فضای واقعی یا مجازی، جزو عوامل مشدده در تعیین مجازات لحاظ شده است. تبصره ۲ ماده ۴۹۹ مکرر عنوان داشته است که «چنانچه جرم موضوع این ماده... از طریق نطق در مجامع عمومی یا با استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی در فضای واقعی یا مجازی منتشر شود، مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود». همچنان‌که امروزه محیط اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و انواع پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی، این امکان را برای مجرم فراهم ساخته است که از طریق آن، رفتار مجرمانه خود را انجام دهند، عدم دیدار بصری طرفین، پنهان بودن اشخاص و... نیز باعث شده است تا متخلفان بدون حضور فیزیکی در جامعه و با حضور نامحسوس در فضای سایبری، جرم مدنظر خود را انجام دهند (صدری ارحامی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۰). به‌طور خاص، انتشار رفتارهای اهانت‌آمیز در فضای مجازی می‌تواند مصداقی از نفرت‌پراکنی تلقی شود. نفرت‌پراکنی واژه‌ای حقوقی و سیاسی، ناظر به نوعی از رفتار کلامی یا سایر رفتارهای نمادین و ارتباطی است که به‌صورت کاملاً ارادی، حس انزجار و بی‌زاری شدید نسبت به برخی گروه‌ها یا نسبت به یک فرد به دلیل عضویت در آن گروه‌ها را از سوی یک فرد به مخاطب یا مخاطبان منتقل می‌کند (Corlett & Francescotti, 2002, p. 1071). به نظر می‌رسد گستره وسیع‌تر نفرت‌پراکنی با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نشر آن در فضای حقیقی یا مجازی و به تبع، آثار تخریبی گسترده‌تر این شیوه از ارتکاب جرم برای اجتماع، قانون‌گذار را بر آن داشته است که مرتکبان این جرائم را با مجازات شدیدتری مواجه سازد و توهین به ادیان، مذاهب یا قومیت‌ها از این طریق را به عنوان عاملی برای تشدید مجازات مرتکبان مورد شناسایی قرار دهد.

ب. مکان ارتکاب جرم

در ماده ۴۹۹ مکرر، مکان ارتکاب جرم نیز مورد توجه قانون‌گذار نبوده و برای این خصوصیت، موضوعیتی در تحقق جرم قائل نشده است. به همین دلیل، توهین به ادیان، مذاهب یا قومیت‌های

مختلف در هر مکانی صورت پذیرد، مشمول حکم ماده ۴۹۹ مکرر می‌شود. از این رو تفاوتی بین مکان‌های مختلف وجود ندارد. با وجود این، مذاقه در تبصره ۲ این ماده روشن می‌سازد که قانون‌گذار ارتکاب این جرم از طریق «نطق در مجامع عمومی» را به عنوان عامل مشدده در تعیین مجازات لحاظ و بدین ترتیب مقرر کرده است که چنانچه مرتکب یا مرتکبان این جرم رفتار مجرمانه خود را در مکان‌های گردهمایی عمومی و در میان عده‌ای از افراد جامعه از طریق ایراد سخنرانی یا نطق عملی سازند، با مجازات شدیدتری روبه‌رو شوند. تبصره ۲ ماده ۴۹۹ مکرر، وجود این خصوصیت در رفتار مجرمانه مرتکب را مستوجب مجازات تعزیری شدیدتر به میزان یک درجه اعلام کرده است. لازم به ذکر است مجامع عمومی با توجه به محیط می‌تواند شامل مکانی باشد که گروهی از مردم در آنجا به انحا و دلایل گوناگون به صورت رسمی یا غیررسمی گرد هم می‌آیند. لذا با توجه به عبارت فوق، نطق در یک مسجد هنگام حضور مردم، نطق در سالن آمفی‌تئاتر مدرسه یا دانشگاه در حضور دانش‌آموزان یا دانشجویان، نطق در گردهمایی عمومی مانند تظاهرات یا راه‌پیمایی یا مجلس اقامه عزا یا مجلس جشن، نطق از تریبون‌های عمومی مانند نماز جمعه یا نطق در مجمع عمومی شرکت‌های دولتی و غیردولتی، نطق تلویزیونی یا رادیویی که همگان آن را می‌بینند و می‌شنوند و امثال آن، مشمول تبصره ۲ ماده ۴۹۹ مکرر و موجب تشدید مجازات مرتکب می‌شود.

به نظر می‌رسد در اینجا نیز توجه خاص قانون‌گذار به این ویژگی و در نظر گرفتن مجازات مشدد برای «نطق در مجامع عمومی» و تمایز آن نسبت به سایر مکان‌ها به گستره وسیع‌تر نفرت‌پراکنی از این طریق برمی‌گردد که توجه به آثار تخریبی گسترده‌تر این شیوه از ارتکاب جرم، قانون‌گذار را بر آن داشته است که مرتکبان این جرائم را با مجازات شدیدتری مواجه سازد و توهین به ادیان، مذاهب یا قومیت‌ها از این طریق را به عنوان عاملی برای تشدید مجازات مرتکبان مورد شناسایی قرار دهد.

ج. زمان ارتکاب جرم

ماده ۴۹۹ مکرر، زمان ارتکاب این رفتار مجرمانه را در تحقق جرم یا تشدید مجازات، واجد نقش و موضوعیت ندانسته است. لذا جرم موضوع این ماده در هر زمان اعم از شب یا روز یا هریک از ایام هفته و ماه و سال یا در ایام عید و سوگواری و تعطیل و غیرتعطیل، قابلیت ارتکاب و تحقق

دارد بدون آنکه وقوع جرم در هریک از این زمان‌ها، تفاوتی از جهت تحقق جرم یا میزان مجازات برای مرتکبان در پی داشته باشد.

د. هویت بز هکار

با توجه به منطوق ماده ۴۹۹ مکرر، شخصیت و هویت مرتکب، نقشی در تحقق اصل جرم ندارد، لیکن ازجمله عوامل تشدید مجازات به شمار می‌رود. مطابق تبصره ۲ این ماده، «چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته ارتکاب یابد و یا از سوی مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن واقع شود... مجازات مقرر به میزان یک درجه تشدید می‌شود». لذا شخصیت مرتکب در دو حالت پیش‌بینی‌شده در این ماده، مؤثر قلمداد و ازجمله عوامل تشدید مجازات مرتکبان محسوب شده است.

گروه مجرمانه در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چنین تعریف شده است که «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد». حسب این تعریف، بدیهی است گروه مجرمانه‌ای که جهت اهانت به اقوام، مذاهب یا ادیان مصرح در ماده ۴۹۹ مکرر تشکیل شده یا پس از تشکیل، هدفش به این امر منحرف شده باشد، انگیزه‌ای جز برهم زدن امنیت کشور ندارد؛ زیرا گروه مجرمانه سازمان‌یافته برای ارتکاب چنین رفتاری با برنامه‌ریزی قبلی (سازمان‌یافته و نسبتاً منسجم) وارد عمل می‌شود. در چنین فرضی، ارتکاب رفتار موهن توسط همه اعضای گروه لازم نیست؛ زیرا معمولاً در گروه‌های مجرمانه تقسیم وظایف صورت می‌گیرد و هرکس وظیفه و نقشی را برای نیل به هدف مجرمانه ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، در چنین وضعیت‌هایی، همچنان‌که برخی محققان نیز تصریح کرده‌اند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۹)، صرفاً لازم است که عرفاً عمل مجرمانه مستند به همه اعضا باشد. از طرفی در برخی جرائم، قانون‌گذار به دنبال ارتباط مستقیم بین فاعل و ارتکاب جرم نیست، بلکه مسئول دانستن فرد در برخی جرائم، تابع اهمیت ارزش‌های مورد حمایت قانون‌گذار است. بر همین مبنا، فاعل عرفی جرم نیز مسئول شناخته می‌شود (فروتن، ۱۳۹۷، ص. ۵۲). براین اساس، چنانچه اعضای گروه مجرمانه در تهیه و انتشار یک محتوای موهن علیه یکی از قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی، همکاری سازمان‌یافته کنند؛ به این شکل که یک نفر

گوینده توهین، دیگری فیلم‌بردار، دیگری منتشرکننده و دیگری نیز طراح و دستوردهنده به سایر اعضای گروه باشد، حتی اگر سخن موهن را یک نفر بر زبان جاری ساخته باشد، سایر افرادی که در تهیه و انتشار آن دخیل بوده‌اند، عرفاً مرتکبان جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر شناخته و عمل مجرمانه به همه آنها منتسب می‌شود. بدیهی است در این صورت مجازات سردهسته و راهبر گروه مجرمانه نیز وفق ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تشدید همراه خواهد بود.

مقصود از عبارت «مأموران یا مستخدمان دولتی» نیز با توجه به مفاد قانون استخدام کشوری و قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، روشن است و به اشخاصی اطلاق می‌شود که مشغول خدمت در یکی از وزارتخانه‌ها یا شرکت‌ها یا مؤسسات و نهادهای دولتی هستند، لیکن در خصوص عبارت «مأموران یا مستخدمان عمومی» که در تبصره ۲ ماده ۴۹۹ مکرر آمده است، اختلاف نظر وجود دارد. برخی مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵، مأمور به خدمات عمومی را اشخاصی می‌دانند که به عموم مردم خدمات ارائه می‌دهند، اگرچه در یک نهاد خصوصی مثل بانک‌های خصوصی مشغول خدمت باشند^۱، اما نظر دیگر بر آن است که مأموران به خدمات عمومی، مأمورانی هستند که در قانون راجع به محاکمه و مجازات مأموران به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵ از آن‌ها سخن به میان آمده است (منصورآبادی، ۱۴۰۰، ص. ۱). با توجه به اخیرالتصویب بودن رأی وحدت رویه صادرشده و نیز با عنایت به اینکه، آرای وحدت رویه در حکم قانون و لازم‌الاتباع برای همه محاکم است، به نظر می‌رسد رأی فوق در خصوص «مأموران یا مستخدمان عمومی» باید ملاک عمل قرار گیرد که بر اساس آن، صرف ارائه دادن خدمات به عموم مردم را وصف لازم برای مأموران عمومی می‌داند ولو اینکه این خدمات عمومی

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸ مورخ ۱۳۹۹/۷/۱۵ هیئت عمومی دیوان عالی کشور: «مطابق ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مأمورین به خدمات عمومی همانند کارکنان دولت مشمول حکم مقرر در خصوص تصرف غیرقانونی نسبت به وجوه یا سایر اموال سپرده‌شده به آن‌ها برحسب وظیفه هستند. کارکنان بانک‌های خصوصی که تحت نظارت بانک مرکزی، به ارائه خدمات گسترده پولی و بانکی به مردم می‌پردازند، از مصادیق مأمورین به خدمات عمومی محسوب می‌شوند و مشمول مجازات مقرر در ماده فوق‌الذکر هستند. براین اساس، رأی شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان یزد تا حدی که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت آراء، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با اصلاحات بعدی در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.»

در نهادهای خصوصی و غیردولتی به مردم ارائه شود.

گفتنی است قانون‌گذار با ذکر قید «در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن»، به دنبال تشدید مجازات مأمورانی است که با استفاده از جایگاه شغلی، جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر را انجام می‌دهند. بنابراین، اگر مأمور یا مستخدم دولتی یا عمومی در خارج از محیط کار و بدون استفاده از جایگاه شغلی خود مرتکب جرم توهین به یکی از اقوام یا ادیان یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی شود، مشمول تشدید مجازات مذکور در تبصره ۲ ماده ۴۹۹ مکرر نخواهد شد. باوجوداین، لازم نیست که حتماً مأموران یا مستخدمان مزبور در محل کار خود، مرتکب رفتار موضوع ماده ۴۹۹ مکرر شوند (آقای‌نیا، ۱۳۹۲، صص. ۴۲-۴۳)، بلکه اگر در حال انجام وظیفه کاری خود باشند، ولو اینکه در خارج از محیط اداره باشند، شرایط تشدید مجازات برای مرتکب این جرم محقق است. در خصوص علت تشدید مجازات مرتکب در این حالت می‌توان گفت که ارتکاب رفتار موهن ماده ۴۹۹ مکرر توسط مأموران یا مستخدمان دولتی یا عمومی در حین انجام وظیفه یا به مناسبت آن، علاوه بر تبعات امنیتی که می‌تواند داشته باشد، باعث تخریب وجهه دولت و حاکمیت نیز می‌شود و از این جهت، اقتضای برخورد کیفری شدیدتر نسبت به افراد عادی را دارد.

هـ. هویت بزه‌دیده

پیش از تصویب ماده ۴۹۹ مکرر، برخی معتقد بودند که توهین به یک گروه کلی بدون تعیین مصادیق آن، جرم محسوب نمی‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۴۸۶)، لیکن در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر، شخصیت و هویت قربانی در تحقق جرم موضوعیت دارد و دارای نقش است؛ زیرا عمل توهین صرفاً نسبت به «اقوام ایرانی»، «مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی» و «ادیان الهی» قابلیت تحقق دارد.

قانون اساسی در اصل ۱۲ در خصوص مذاهب اسلامی، تصریح می‌کند که «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنا عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند...». لذا مقصود از مذاهب اسلامی، مذهبی است که در اصل مزبور به نام آن‌ها تصریح شده است و تردیدی نیست که قید «مصرح در قانون اساسی»، یقیناً به آخرین عبارت یعنی «مذاهب اسلامی» معطوف است.

لذا هریک از مذاهب اسلامی شیعه (شامل مذهب جعفری دوازده‌امامی و زیدیه) و سنی (شامل حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) مورد حمایت قرار گرفته‌اند، اما در خصوص «ادیان الهی»، قید «مصرح در قانون اساسی» را نمی‌توان معطوف به آن نیز دانست؛ زیرا از لحاظ اصولی، چنین امری نیازمند وجود یک قرینه است تا بتوان با قطعیت قید مذکور را معطوف به عبارت «ادیان الهی» دانست. مسئله قید و چگونگی بازگشت آن به الفاظ قبلی، یکی از مباحث مهم در علم اصول فقه است که در تفسیر متون شرعی و قوانین کاربرد فراوانی دارد. بر اساس قواعد اصولی، قید معمولاً به آخرین لفظ پیش از خود بازگشت می‌کند مگر اینکه قرینه‌ای اعم از لفظی یا معنوی وجود داشته باشد که نشان دهد قید به عبارات قبل از آن نیز مرتبط است (صدر، ۱۴۰۵ق، ص. ۲۰۰؛ زیدان، ۱۴۲۰ق، ص. ۱۸۹؛ مظفر، ۱۳۷۵ق، صص. ۲۴۵-۲۴۷). براین اساس، با عنایت به عدم وجود قرینه در خصوص عطف قید مزبور به عبارت ادیان الهی نمی‌توان عبارت ادیان الهی را صرفاً شامل ادیان اسلام، مسیحیت، یهود و زرتشت که در اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است، دانست؛ زیرا اولاً، قرینه‌ای در خصوص عطف قید مزبور به عبارت ادیان الهی وجود ندارد. ثانیاً، ادیان الهی بیش از مواردی است که در اصل ۱۳ به آن اشاره شده است.

در خصوص قید «قومیت‌های ایرانی» مذکور در ماده ۴۹۹ مکرر نیز این نکته گفتنی است که مرتکب لازم است به‌طور خاص، به یکی از اقوام ایرانی مانند قوم لر، ترک، کرد، فارس و... اهانت کند. بنابراین، اگر شخصی مثلاً به مردم ساکن در منطقه غرب آسیا اهانت کند، نمی‌توان عمل وی را مصداق جرم ماده ۴۹۹ مکرر دانست. این رفتار حاوی اهانت به جمعیت یا قومیت خاصی از انسان‌ها در منطقه غرب آسیاست، لیکن مصداق ماده ۴۹۹ مکرر نیست؛ زیرا برای تحقق جرم ماده ۴۹۹ مکرر حتماً باید این توهین ناظر بر یک یا چند قومیت ایرانی باشد؛ البته ممکن است رفتار فوق‌الذکر به جهات حقوقی دیگر قابل تعقیب باشد، لیکن مصداق ماده ۴۹۹ مکرر نیست؛ زیرا در حقوق کیفری مبتنی بر اصل برائت و اصل تفسیر به نفع متهم در تفسیر قوانین باید به قدر متیقن اکتفا کرد؛ همچنان که رویه قضایی حاکم در ایران نیز مبتنی بر همین رویکرد است (منصوری و صادقیان، ۱۴۰۰، ص. ۲۹۶۴).

و. تعداد مرتکبان

تعداد مرتکبان در تحقق جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر، هیچ تأثیر ماهوی اعم از ایجابی یا سلبی ندارد، لیکن مطابق تبصره ۲ ماده مزبور که مقرر می‌دارد «چنانچه جرم موضوع این ماده در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته ارتکاب یابد»، چنانچه این جرم توسط سه نفر یا بیشتر و در لوای یک گروه سازمان‌یافته ارتکاب یافته باشد، ازجمله عوامل تشدید مجازات مرتکبان به شمار می‌رود. براین اساس و با توجه به توضیحات پیش‌گفته در خصوص گروه مجرمانه سازمان‌یافته که در قسمت مربوط به هویت بزه‌کار بیان شد، تعدد مرتکبان با وصف سازمان‌یافتگی و تشکل، تشدید الزامی (= قانونی) مجازات را در پی خواهد داشت.

۳.۲.۲. نتیجه مجرمانه

نتیجه جرم توهین متوجه شخصیت اعتباری و معنوی بزه‌دیده است که منجر به مخدوش شدن حیثیت و منزلت اجتماعی بزه‌دیده (چه فرد و چه گروه) از نظر عرف می‌شود؛ البته جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر، جرم‌انگاری خاص با ارکان مختص و منحصر به فرد است. قانون‌گذار در ماده مزبور دو جرم را بیان کرده که اولی، جرم مقید و دومی، جرم مطلق است.

جرم مقید جرمی است که قانون‌گذار، حصول نتیجه در آن را ازجمله عوامل متشکله جرم می‌داند. در مقابل، جرم مطلق جرمی است که قانون‌گذار آن را پیش از حاصل شدن نتیجه، انجام‌شده (تام) می‌داند (علی‌آبادی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۹۲؛ غلامی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص. ۳۱۹). به عبارت دیگر، در جرم مطلق، نتیجه نقشی در تحقق جرم ندارد و اساساً احراز آن لازم نیست. در نتیجه، تقسیم جرائم به مطلق و مقید بدان معنا نیست که در رفتار مجرمانه جرائم مطلق هیچ نتیجه‌ای وجود ندارد، بلکه ممکن است جرم ارتکابی واجد نتیجه نیز باشد، لیکن قانون‌گذار آن نتیجه را در تحقق ارکان جرم، لازم ندانسته است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۵۴۱).

با توجه به توضیحات فوق، صدر ماده ۴۹۹ مکرر حاوی جرم مقید و ذیل آن حاوی جرم مطلق است؛ زیرا در قسمت آخر ماده ۴۹۹ مکرر، قانون‌گذار حصول نتیجه را در تحقق یک جرم دارای نتیجه لازم ندانسته است و به همین دلیل، جرمی مطلق و مستقل محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مطابق جرم مذکور در ذیل ماده ۴۹۹ مکرر، رفتار جرم‌انگاری شده ممکن است در عالم واقع نتایجی نیز به بار آورد، لیکن قانون‌گذار حصول آن را جزو ارکان جرم ندانسته و انجام

دادن رفتار تا پیش از حصول نتیجه را به صورت تام و تمام جرم دانسته است.

جرائم مقید و مطلق موضوع ماده ۴۹۹ مکرر به ترتیب، به شرح زیر هستند.

۱. جرم مقید: «هرکس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم... می‌شود».

۲. جرم مطلق: «... و در غیر این صورت [یعنی چنانچه منجر به خشونت یا تنش نشود]، به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود». مطلق بودن این جرم در حالت اخیرالذکر، در بیان دو تن از اعضای شورای نگهبان نیز هنگام بررسی این مصوبه تصریح شده است. آیت‌الله آملی لاریجانی بیان می‌کند که «قید مزبور [= قید "در غیر این صورت"] می‌تواند جرم‌انگاری مطلق دشنام و توهین باشد». همچنین، دکتر ره‌پیک، عضو حقوق‌دان شورای نگهبان نیز اظهار می‌دارد که «[قید] در غیر این صورت یعنی اینکه توهین و دشنام منجر به تفرقه و خشونت نشود» (مشروح مذاکرات اعضای شورای نگهبان قانون اساسی، ۱۳۹۹/۹/۵).^۱

بر اساس صدر ماده ۴۹۹ مکرر، چنانچه مرتکب با قصد ایجاد تنش یا خشونت در جامعه یا با علم به وقوع آن، مرتکب توهین شود و این اقدام وی منجر به نتیجه خاص مدنظر قانون‌گذار یعنی منجر به خشونت یا تنش در همه یا بخشی از جامعه شود، ارکان جرم مقید مذکور در صدر ماده ۴۹۹ مکرر محقق می‌شود و مرتکب (در صورتی که مشمول حد نباشد) به مجازات حبس یا جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو محکوم می‌شود. مقید بودن این جرم با توجه به تصریح قانون‌گذار به لزوم تحقق «بروز خشونت یا ایجاد تنش» در جامعه مبرهن است، اما چنانچه مرتکب، جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر را با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا با علم به وقوع آن انجام دهد، لیکن به هر دلیل غیرارادی، نتیجه جرم (یعنی وقوع خشونت و تنش در جامعه) حاصل نشود، مشمول ذیل ماده ۴۹۹ مکرر و مجازات خفیف‌تر در نظر گرفته شده برای آن

۱. گفتنی است مشروح مذاکرات مذکور، در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان به نشانی زیر قابل دسترس است:

(حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو) می‌شود. در نظر گرفتن مجازات خفیف‌تر برای این جرم نسبت به جرم مقید مذکور در صدر ماده، به دلیل آثار و پیامدهای اجتماعی ضعیف‌تری است که بر جا می‌گذارد و واکنش کیفری متفاوت میان این دو رفتار مجرمانه را توجیه‌پذیر می‌کند، اما بر اساس قواعد عمومی حاکم بر حقوق کیفری، در خصوص ماهیت حقوقی رفتار مرتکب در وضعیتی که توهین منجر به ایجاد تنش یا خشونت نشده باشد، می‌توان گفت مرتکب این رفتار با داشتن رکن معنوی لازم برای این جرم، در بخش مربوط به رکن مادی، درحقیقت، شروع به جرم مقید مذکور در صدر ماده کرده و سپس در ادامه، عملیات اجرایی آن را نیز به پایان برده است، لیکن قصدی که از این رفتار داشته، به دلیل عواملی خارج از اراده مرتکب معلق مانده است. به بیان دیگر، جرمش در خارج «عقیم» مانده است. دقت در تعریف جرم عقیم در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این واقعیت را مبرهن می‌سازد. این ماده مقرر می‌دارد که «هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود...». نکته قابل توجه در اینجا، این است که قانون‌گذار در ماده ۱۲۲، با بیان ضابطه‌ای عام و مشخص، مجازات مرتکب جرم عقیم را همچون مجازات «شروع به جرم»، پایین‌تر از میزان مجازات مرتکب جرم تام در نظر گرفته و در سه بند در ماده ۱۲۲ تعیین کرده است، لیکن قانون‌گذار در ماده ۴۹۹ مکرر از این قاعده عام در خصوص جرم عقیم و میزان مجازات مرتکب آن پیروی نکرده و در انتهای ماده ۴۹۹ مکرر، حالت مزبور (= تحقق جرم بدون نتیجه و به صورت عقیم) را به طور مستقل قاعده‌گذاری و برای آن، مجازات خاص تعیین کرده است.

۴.۲.۲. رابطه سببیت

گفته شده است که تحقق جرم در جرائم مقید علاوه بر اجزای سه‌گانه عنصر مادی، نیازمند احراز رابطه سببیت بین رفتار مجرمانه با نتیجه مجرمانه قانونی آن جرم است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۱۱۴) از طرفی، برای مسئول شناختن مرتکب لازم است که به دنبال سبب مؤثر یا به تعبیر حقوق فرانسه، سبب کافی باشیم (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۱۲۰). بدیهی است که رابطه سببیت صرفاً در خصوص جرائم مقید متصور است؛ زیرا در جرائم مطلق، از نظر قانون‌گذار وقوع نتیجه‌ای خاص مدنظر نیست تا بتوان رابطه بین آن نتیجه با رفتار ارتكابی را احراز کرد. لذا

احراز رابطه سببیت بین رفتار با نتیجه مجرمانه و قانونی جرم در ماده ۴۹۹ مکرر، صرفاً شامل جرم‌انگاری صدر این ماده (جرم مقید) می‌شود. حسب توضیحات فوق، جهت ارتکاب جرم مقید مذکور در قسمت ابتدایی ماده ۴۹۹ مکرر، لازم است که خشونت و تنش ایجادشده در جامعه، اثر مستقیم رفتار مجرمانه مرتکب یعنی اهانت قومی یا دینی یا مذهبی او باشد که مرتکب، آن را از طریق توهین لفظی یا عملی تحقق بخشیده است. به عبارت دیگر، توهین قومی، دینی یا مذهبی باید به عنوان سبب مؤثر یا کافی در وقوع خشونت و تنش در جامعه احراز شود تا جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر تحقق یابد.

۳.۲. رکن معنوی

عنصر معنوی در ارتکاب جرم به طور کلی شامل قصد، علم و انگیزه است که حسب مورد هر کدام به مقتضای مصلحت‌سنجی قانون‌گذار می‌تواند در تحقق جرم نقش داشته باشد از جمله در عمدی یا غیرعمدی بودن جرم. با توجه به عبارات مندرج در ماده ۴۹۹ مکرر، جرم موضوع این ماده به صورت عمدی ارتکاب می‌یابد که توضیحات مربوط به آن در ادامه بیان خواهد شد.

۳.۲.۱. علم

به طور کلی، در بحث از علم یا آگاهی مرتکب، علم به موضوع جرم و علم به حکم، مورد بررسی قرار می‌گیرد که ما نیز وضعیت این دو را در خصوص جرم ماده ۴۹۹ مکرر بررسی می‌کنیم.

الف. علم به حکم

برای تحقق جرم عمدی لازم است که مرتکب نسبت به غیرقانونی بودن رفتار ارتكابی و مجرمانه بودن آن علم داشته باشد؛ اگرچه مطابق قواعد کلی ناظر بر مسئولیت و مفاد ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آگاهی مرتکب نسبت به مجرمانه بودن رفتار ارتكابی و مجازات داشتن آن مطابق قانون، برای نوع افراد مفروض دانسته می‌شود. در علم به حکم، علم کلی مرتکب به غیرقانونی بودن رفتار کافی است و آگاهی نسبت به ویژگی‌های جزئی پیش‌بینی‌شده در قانون

۱. ماده ۱۵۵: جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

برای آن جرم و نیز نوع و میزان مجازات مقرر قانونی لازم نیست. بنابراین، در علم به حکم لازم نیست که مثلاً مرتکب بداند رفتار ارتكابی وی دقیقاً مصداق کدام ماده قانونی است، بلکه صرف علم نسبت به مجرمانه بودن رفتار برای تحقق جرم کافی است، اما در ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، استثنائاتی برای قاعده فوق در نظر گرفته شده است که فرض علم به حکم را از بین می‌برد و جهل مرتکب نسبت به غیرقانونی بودن عمل، او را از مسئولیت کیفری معاف می‌کند. این دو استثنا عبارت‌اند از الف. زمانی که تحصیل علم عادتاً برای مرتکب ممکن نباشد و ب. در صورتی که جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

با توجه به مفاد مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عبارت «جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود»، منصرف از جرائم تعزیری و ناظر به جرائم حدی است. به همین دلیل، این استثنای ماده ۱۵۵ نمی‌تواند شامل جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر به‌عنوان جرم تعزیری شود، لیکن استثنای اول ماده ۱۵۵ که مربوط به شرایطی است که تحصیل علم عادتاً برای مرتکب ممکن نباشد، در خصوص مرتکب جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر می‌تواند محل بحث و بررسی باشد؛ زیرا از سویی ممکن است گفته شود با رویه فعلی ابلاغ قوانین از طریق روزنامه رسمی و سابقه نداشتن جرم‌انگاری توهین به اقوام، ادیان الهی و مذاهب اسلامی در قوانین کیفری، احتمال دارد که برخی افراد به دلایل گوناگون از وجود چنین عنوان مجرمانه‌ای بی‌اطلاع بوده و در زمان ارتکاب این جرم، جاهل به حکم باشند و با اثبات ادعای خود در دادگاه، معاف از مسئولیت کیفری و مشمول استثنای نخست ماده ۱۵۵ تلقی شوند، اما به نظر می‌رسد این استدلال مخدوش است و چنین عذری از سوی مرتکب نمی‌تواند مورد پذیرش دادگاه قرار گیرد؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد، صرف اطلاع کلی مرتکب به غیرقانونی و مجرمانه بودن رفتار ارتكابی، برای تحقق علم حکمی کفایت می‌کند. بنابراین، با توجه به اینکه توهین به افراد (صرف‌نظر از توهین خاص به اقوام یا ادیان یا مذاهب) به‌عنوان یک عمل ناپسند و غیرقانونی در عرف اجتماعی و نیز در قانون مجازات (ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات)، مورد شناسایی قرار گرفته است، جهل مرتکب به جرم‌انگاری خاص انجام‌شده در ماده ۴۹۹ مکرر، مانع مسئولیت و معافیت وی از مجازات مقرر در ماده ۴۹۹ مکرر نیست.

ب. علم به موضوع

علم به موضوع جرم نیز باید در مرتکب وجود داشته باشد؛ یعنی برای تحقق جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر، مرتکب باید بداند و آگاه باشد که رفتاری که در حال انجام آن نسبت به یکی از اقوام ایرانی، مذاهب اسلامی یا ادیان الهی است، موهن است. به عبارت دیگر، مرتکب جرم باید نسبت به توهین آمیز بودن کلام، بیان یا رفتار ارتكابی خود آگاه باشد. در غیر این صورت به دلیل جهل به موضوع نمی‌توان وی را از لحاظ کیفری مسئول دانست و مجازات کرد. عدم علم به موضوع در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر به صور مختلف ممکن است رخ دهد؛ زیرا فرهنگ، اعتقادات و پیشینه تاریخی اقوام ایرانی، مذاهب اسلامی و ادیان الهی، بسیار گسترده و با جزئیات فراوان است. به همین دلیل، بسیار محتمل است که فرد بدون شناخت کلی یا جزئی نسبت به موارد مزبور، رفتاری را انجام دهد که بر اساس گفتمان و فرهنگ حاکم بر یکی از اقوام ایرانی یا ادیان الهی یا مذاهب رسمی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی اهانت تلقی شود درحالی که مرتکب هیچ گونه علم و آگاهی نسبت به موهن بودن رفتار خود در فرهنگ آن قوم، مذهب یا دین نداشته باشد. لذا احراز علم مرتکب به موهن بودن رفتار خود در تحقق مسئولیت کیفری جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر ضروری است.

۲.۳.۲. قصد (اراده)

اراده و قصد مرتکب در رفتار نیز یکی از ارکان مسئولیت کیفری است. رفتار ارادی یعنی مرتکب با اختیار و میل خود رفتار مجرمانه را انجام دهد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۱۶۶). به عبارت دیگر، چنانچه فرد بدون هیچ اختیار و اراده‌ای، رفتاری کند که موجب جنایت یا خسارت بر دیگری شود، مسئولیت کیفری نخواهد داشت (ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). مثلاً اگر فرد در حال خواب یا بیهوشی مرتکب رفتاری شود یا اینکه توسط دیگری مجبور به کاری شود، به دلیل فقدان قصد و اراده، مسئول کیفری شناخته نمی‌شود. اراده ناظر به حالتی است که فرد بر اساس خواست و میل درونی و با قصد آزاد خود مرتکب رفتار می‌شود. درباره ضرورت قصد در تحقق جرم توهین، نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴۷۲ مورخ ۱۳۷۷/۸/۱۶ اداره حقوقی قوه قضائیه اشعار داشته است که «در اهانت، قصد هم لازم است؛ یعنی اهانت‌کننده باید قصد اهانت داشته باشد ولی اگر قصد اهانت نداشته باشد، سخن یا عمل او اهانت نخواهد بود».

در ماده ۴۹۹ مکرر، عبارت «قصد ایجاد خشونت و تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن» آمده که ناظر به بخشی از اجزای عنصر معنوی است؛ یعنی برای تحقق جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر به عنوان جرمی خاص، قانون‌گذار نوعی خاص از خواست و اراده مرتکب را مدنظر قرار داده و آن را برای تحقق جرم لازم دانسته است که باید بررسی شود. به‌طور کلی، بحث در خصوص «قصد» مرتکب در حقوق کیفری شامل بررسی قصد فعل (سوءنیت عام) و قصد نتیجه (سوءنیت خاص) است که در ادامه، هر کدام از آن دو ناظر به ماده ۴۹۹ مکرر بررسی می‌شود.

الف. قصد فعل (سوءنیت عام)

در ارتکاب جرم لازم است که مرتکب به رفتار خود توجه داشته باشد و اساساً عملیات اجرایی شکل‌دهنده رفتار مجرمانه را بخواهد. به عبارت دیگر، لازم است که مرتکب در رفتار خود، قصد سوء (انجام دادن رفتار مجرمانه) داشته باشد. در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر نیز فرد مرتکب باید علاوه بر علم نسبت به رفتار خود، قصد و اراده فعل مجرمانه را که همان توهین به حداقل یکی از اقوام ایرانی، ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی است، داشته باشد. به عبارت دیگر، در ماده ۴۹۹ مکرر، مرتکب باید با اراده آزاد خود، بیان یا رفتار موهن خود را نسبت به یکی از گروه‌های مزبور ابراز کرده باشد. بنابراین، اگر فردی سهواً یا بر اثر غفلت یا به دلیل شوخی یا در حال خواب و بیهوشی یا به دلیل اکراه و اجبار فیزیکی یا معنوی وارد از سوی دیگری، کلامی به زبان آورد یا رفتاری انجام دهد که نسبت به یکی از قومیت‌های ایرانی، مذاهب اسلامی یا ادیان الهی و هن‌آمیز جلوه کند، به دلیل اینکه قصد و اراده جدی مبنی بر توهین نداشته است، جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر محقق نمی‌شود؛ البته با توجه به اینکه در شرایط عادی عموماً همه افراد واجد اراده آزاد هستند، ادعای فقدان اراده و قصد آزاد از سوی مرتکب نیازمند اثبات در دادگاه است.

ب. قصد نتیجه (سوءنیت خاص)

قصد مرتکب برای رسیدن به نتیجه مجرمانه را قصد خاص یا سوءنیت خاص گویند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۱۷۱). قصد نتیجه یا سوءنیت خاص صرفاً در جرائم مقید که قانون‌گذار نتیجه‌ای خاص از رفتار مجرمانه را مدنظر قرار داده و آن را برای تحقق جرم تمام لازم

دانسته، متصور است. براین اساس، احراز وجود قصد خاص در مرتکب برای مسئول شناختن وی در جرائم مقید لازم است؛ برخلاف جرائم مطلق که قانون‌گذار تحقق هیچ‌گونه نتیجه‌ای خاص از رفتار مجرمانه را شرط وقوع جرم ندانسته است تا احراز قصد نتیجه در آن شرط باشد.

در ماده ۴۹۹ مکرر، عبارت «با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا با علم به وقوع آن» بیانگر سوءنیت خاص مرتکب است. ممکن است گفته شود این عبارت، ناظر بر انگیزه مرتکب است نه قصد خاص، اما با توضیحاتی که در این قسمت و نیز قسمت بعدی نوشتار در خصوص انگیزه ارائه خواهد شد، توضیح خواهیم داد که این عبارت ناظر بر سوءنیت خاص یا قصد نتیجه مرتکب است که وجود آن در تمام مرتکبان این جرم باید احراز شود.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، قانون‌گذار در ماده ۴۹۹ مکرر، جرم‌انگاری را در دو حالت متفاوت پیش‌بینی کرده است؛ در ابتدای ماده، جرم را به صورت مقید (با فرض تحقق خشونت و تنش در جامعه) و در قسمت دوم، جرم را به صورت مطلق (با فرض عدم تحقق خشونت و تنش در جامعه) تعریف کرده، اما در هر دو حالت، قانون‌گذار «قصد ایجاد خشونت و تنش یا علم به وقوع آن» را به عنوان قصد منجز مرتکب در هنگام رفتار مجرمانه، شرط تحقق این جرم دانسته است. براین اساس، هم در صورت وقوع نتیجه یعنی فرض تحقق خشونت و تنش در جامعه (= جرم مقید موضوع صدر ماده ۴۹۹ مکرر)، سوءنیت خاص مرتکب مبنی بر قصد او در ایجاد خشونت و تنش در جامعه، شرط تحقق جرم دانسته شده و هم در صورتی که نتیجه مورد انتظار مرتکب واقع نشود (فرض عدم تحقق خشونت و تنش در جامعه)، وجود سوءنیت خاص مرتکب مبنی بر قصد ایجاد خشونت و تنش در جامعه، لازم و شرط دانسته شده است؛ اگرچه در جرم‌انگاری اخیر، تحقق خارجی نتیجه شرط نشده و جرم، مطلق در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، در حالت اخیر، نوعی جرم‌انگاری خاص صورت گرفته که قصد نتیجه در مرتکب هنگام ارتکاب رفتار مجرمانه (= قصد ایجاد خشونت و تنش) لازم دانسته شده، لیکن قانون‌گذار تحقق واقعی نتیجه را در آن شرط ندانسته و صرف رفتار را مستحق مجازات دانسته است.

موضوع فوق در خصوص بار اثبات نیز اهمیت دارد و مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا هرگاه مثلاً شخصی در یک محفل عمومی، رفتار موهنی را نسبت به یکی از گروه‌های قومی، دینی یا مذهبی ماده ۴۹۹ مکرر انجام دهد، قصد وی مبنی بر ایجاد خشونت یا تنش در حداقل بخشی از

جامعه باید اثبات شود تا بتوان وی را به عنوان این جرم مجازات کرد. اثبات این مهم بر عهده دادستان است که با قرائن و امارات موجود در پرونده باید آن را در دادگاه اثبات کند؛ زیرا همان گونه که بیان شد، ممکن است این رفتار موهن، نه به قصد ایجاد خشونت یا تنش، بلکه به قصد مزاح در یک جمع یا محفل انجام گرفته باشد که در این صورت، به دلیل لزوم وجود قصد خاص در مرتکب، امکان تعقیب و مجازات وی تحت عنوان جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر نیست، اما باید توجه داشت که در چنین شرایطی نیز بنا بر قید «علم به وقوع آن»، امکان مجرم شناخته شدن مرتکب وجود دارد؛ توضیح اینکه چنانچه شخصی قصد ایجاد تنش یا خشونت نداشته باشد، بلکه با قصد مزاح یا هزل یا هر قصد دیگر، اقدام به رفتار وهن آمیزی نسبت به یک قوم ایرانی یا یکی از مذاهب اسلامی کند، در صورتی که با توجه به حساسیت های جامعه محلی یا ملی بداند که این رفتار او موجب ایجاد تنش یا خشونت در جامعه می شود، صرف علم او به این نتیجه برای تحقق جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر کافی است ولو اینکه مرتکب در حین ارتکاب رفتار وهن آمیزش، قصد منجر برای ایجاد تنش یا خشونت نداشته باشد. به عبارت دیگر، در این شرایط گفته می شود مرتکب «قصد تبعی» برای نتیجه مجرمانه را داشته است (اردبیلی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص. ۱۸۹؛ صانعی، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۶؛ گلدوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۲۳۴). درحقیقت، با آگاهی و علم مرتکب به تحقق نتیجه و درعین حال، ارتکاب عامدانه و ارادی آن رفتار، وی تبعاً، نتیجه مجرمانه را نیز خواسته و اراده کرده است. علم مرتکب به وقوع خشونت یا تنش با توجه به اوضاع و احوال و شرایط جامعه و حساسیت های محلی و قومی و دینی و مذهبی، احراز می شود. گفتنی است در این موارد، دیگر نیازمند اثبات قصد خاص مرتکب نیستیم، بلکه همین که یک انسان متعارف، چنین احتمال معقولی را از نتیجه رفتار خود بدهد، کافی است که او را در حکم قاصد نتیجه قلمداد کنیم.

۲.۳.۳.۲. انگیزه

انگیزه به هدف غایی و نهایی مرتکب اطلاق می شود. در واقع، انگیزه قوه محرکه مرتکب برای رفتار است. انگیزه معادل جهت عقد در حقوق قراردادهاست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص. ۱۱۷). انگیزه ناظر به هدف غایی و علت محرک فرد برای ارتکاب جرم است. با توجه به مختلف بودن اهداف مدنظر برای یک رفتار، ممکن است دواعی و انگیزه های مرتکبان نیز متعدد و متفاوت

باشد. به عبارت دیگر، به تعداد مرتکبان یک جرم واحد می‌تواند انگیزه‌های مختلف در آن‌ها وجود داشته باشد. همین امر می‌تواند شاخص و فارق مناسبی برای تفکیک انگیزه از قصد خاص در جرائم مقید باشد؛ زیرا به رغم امکان تعدد انگیزه‌ها در ارتکاب رفتار مجرمانه واحد توسط مرتکبان، قصد نتیجه لازم برای تحقق جرم، برای همه مرتکبان آن جرم، واحد و یکسان است. در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر، همان‌گونه که بیان شد، قصد خاص پیش‌بینی شده در قانون عبارت است از «قصد ایجاد تنش یا خشونت» (یا علم به وقوع آن) که لازمه تحقق این جرم برای همه مرتکبان است، اما انگیزه‌های مرتکبان این جرم ممکن است کاملاً با یکدیگر متفاوت باشد. برای مثال، ممکن است انگیزه مرتکبی، فرو نشانیدن حس تنفر یا انتقام از قومیت یا دین یا مذهبی خاص باشد و دیگری، انگیزه‌اش ایجاد اختلاف قومیتی برای جنگ میان اقوام یا تجزیه کشور باشد و سرانجام فردی دیگر، هدف نهایی‌اش از ارتکاب این جرم، دریافت پول و مزایای مادی وعده داده شده به وی از سوی کشور یا گروه متخاصمی باشد.

انگیزه مرتکب در حقوق کیفری، غالباً تأثیری در تحقق جرم و مجازات مرتکب ندارد، اما در مواردی نیز به تشخیص و صلاحدید قانون‌گذار می‌تواند مؤثر و واجد نقش قلمداد و تعریف شود. ازجمله قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در بند پ ماده ۳۸، «انگیزه شرافتمندانه» مرتکب را ازجمله عوامل تخفیف در مجازات دانسته است که احتمال وجود آن در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر با توجه به قصد خاص لازم برای تحقق این جرم، تقریباً منتفی است. همچنین، چنانچه انگیزه مرتکب از این جرم، براندازی نظام یا تجزیه کشور باشد یا در قالب همکاری با کشورها یا گروه‌های متخاصم ارتکاب یافته باشد، حسب مورد می‌تواند مشمول یکی از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی موضوع فصل نخست کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) قرار گیرد که تشخیص و اثبات آن بر عهده دادستان و قاضی پرونده است.

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار جمهوری اسلامی برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران، اهانت به اقوام ایرانی، ادیان الهی و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی را به عنوان جرمی خاص (سوای از جرم توهین موضوع ماده ۶۰۸)، به مثابه یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور جرم‌انگاری کرده

است.

این جرم‌انگاری با توجه به اهمیت امنیت ملی، انسجام اجتماعی و جلوگیری از ایجاد تنش‌های قومی و مذهبی صورت گرفته است که با توجه به تنوع قومی، مذهبی و دینی جامعه ایرانی و مخاطرات نامطلوب ناشی از ارتکاب رفتارهای موهن نسبت به اقوام، ادیان و مذاهب اسلامی و ایجاد شکاف‌های قومی و مذهبی و دینی در کشور، این جرم‌انگاری و ذکر آن در فصل نخست کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، توجیه‌پذیر و واجد منطق جلوه می‌کند. مبتنی بر مفاد این ماده، توهین به هریک از قومیت‌های ایرانی (اعم از ترک، کرد، لر، فارس، عرب و...) یا هریک از ادیان توحیدی مشمول جرم این ماده است. همچنین، با توجه به اصل ۱۲ قانون اساسی، مذاهب شیعه (شامل مذهب جعفری دوازده‌مامی و زیدیه) و مذاهب تسنن (شامل حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) مشمول و مورد حمایت ماده ۴۹۹ مکرر قرار گرفته‌اند. این نوآوری تقنینی که ناشی از شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی ایران با تنوع قومی و مذهبی کم‌نظیر است، درصدد پیشگیری از ایجاد شکاف‌های اجتماعی و حفظ وحدت ملی از طریق ابزارهای کیفری است.

نکته حائز اهمیت در این جرم‌انگاری، تفاوت ماهوی آن با جرائم نفرت‌مدار در نظام‌های حقوقی غربی از جمله انگلستان و آمریکا است. در حالی که در جرائم نفرت‌مدار، انگیزه‌های نژادی، دینی، مذهبی یا جنسیتی مرتکب شرط تحقق جرم است، در نظام حقوقی ایران، صرف وقوع رفتار مجرمانه بدون توجه به انگیزه مرتکب، برای تحقق جرم کافی است. این رویکرد نشان‌دهنده نگاه سیاست جنایی ایران به این جرم به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت و نظم عمومی است نه صرفاً حمایت از گروه‌های خاص.

رفتار مجرمانه در این جرم می‌تواند به‌صورت کلامی یا عملی باشد و شامل هرگونه توهین به اقوام ایرانی، ادیان الهی و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی می‌شود. نکته قابل توجه در جرم‌انگاری این ماده، پیش‌بینی هم‌زمان امکان ارتکاب این جرم در دو حالت مطلق و مقید است؛ یعنی قانون‌گذار علاوه بر جرم‌انگاری این جرم به‌صورت مقید (لزوم ایجاد خشونت و تنش در جامعه)، حالت عقیم آن را نیز به‌صورت مستقل در قالب جرم مطلق (بدون نیاز به وقوع خشونت و تنش در جامعه) جرم‌انگاری کرده است که می‌تواند حاکی از اهمیت این جرم در نظر مقنن و حساسیت نسبت به آن و پیشگیری از عواقب ناصواب و مخاطرات اجتماعی ناشی از آن باشد. لازم به ذکر است در هر دو حالت مزبور، در رکن روانی جرم مزبور، علاوه بر قصد عملیات اجرایی

توهین (سوءنیت عام)، وجود قصد نتیجه (قصد ایجاد خشونت و تنش در جامعه) در مرتکب ضروری است. بر همین اساس، چنانچه ارتکاب رفتار منجر به نتیجه مدنظر مرتکب شود، مجازات درجه ۵ تعزیری و چنانچه منجر به ایجاد خشونت نشود و قصد مرتکب معلق بماند، مجازات درجه ۶ را به دنبال دارد.

قانون‌گذار با درک خطر بالقوه شیوه‌های نوین یا خطرناک‌تر ارتکاب جرم، مواردی مانند استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی یا ارتکاب جرم توسط مأموران دولتی و نیز ارتکاب جرم در قالب گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته را به‌عنوان کیفیات مشدده پیش‌بینی کرده است. این تدابیر حاکی از حساسیت مقنن نسبت به آثار گسترده‌تر چنین رفتارهایی در جامعه است. باین‌حال، اجرای دقیق و منصفانه این ماده نیازمند توجه به اصول حقوقی ازجمله توجه به حقوق متهمان و احراز دقیق ارکان جرم است تا از سوءاستفاده‌های احتمالی به‌ویژه از جهت تضییقات و محدودیت‌های ناظر بر جرائم امنیتی جلوگیری شود. ارزیابی کیفی شناختی و تناسب کیفرهای پیش‌بینی‌شده در ماده ۴۹۹ مکرر با نوع رفتار ارتكابی و نیز برخی کاستی‌های تقنینی در جرم‌انگاری انجام‌شده از جهت تحدید موضوع جرم، موضوعاتی است که می‌تواند دست‌مایه تحقیقات بعدی پژوهشگران علوم جنایی قرار گیرد.

منابع

- ۱) آقای‌نیا، حسین (۱۳۹۲). جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی). تهران: میزان.
- ۲) احمدی، حسین (۱۳۹۶). تعریف و ماهیت جرائم امنیتی. شیراز: نوید.
- ۳) اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۸). حقوق جزای عمومی (جلد ۱). تهران: میزان.
- ۴) اسلامی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۷). اصول و فنون قانون‌گذاری. تهران: جنگل.
- ۵) جعفری، علی (۱۳۹۸). جرائم امنیتی و چالش‌های حقوقی. تهران: دادگستر.
- ۶) حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰). استناد و نقش آن در شرکت در جرم. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۳، صص. ۱۰۷-۱۴۶.
- ۷) زیدان، عبدالکریم (۱۴۲۰ق). الموجز فی اصول الفقه. بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۸) سامری، محسن (۱۳۹۳). توهین و افترا در نظم حقوقی کنونی. ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۳، صص. ۴۶-۴۲.
- ۹) سودمندی، عبدالمجید و مستقیمی قمی، بهرام (۱۳۹۰). سخنان نفرت‌زا در نظام بین‌المللی حقوق بشر. نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، صص. ۴۲-۲۱.
- ۱۰) شریفی، محمد (۱۴۰۱). دشواری‌های کشف و اثبات جرائم امنیتی. تهران: میزان.
- ۱۱) صانعی، پرویز (۱۳۹۸). حقوق جزای عمومی. تهران: مجد.
- ۱۲) صدر، محمدباقر (۱۴۰۵ق). اصول الفقه. چاپ ۱. نجف: دارالصدر.
- ۱۳) صدری ارحامی، محمد (۱۳۹۸). جرائم نوظهور علیه امنیت ملی (قتل هدفمند، بیوتروریسم و جرائم سایبری). تهران: دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام).
- ۱۴) صفاری، علی (۱۳۹۵). عناصر عمومی جرم. تهران: جنگل.
- ۱۵) صفاری، علی (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری در جرائم امنیتی. تهران: خرسندی.
- ۱۶) علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲). حقوق جنایی (جلد ۲). تهران: فردوس.
- ۱۷) غلامی، علی (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی در جمهوری اسلامی ایران (جلد ۱). تهران: میزان.
- ۱۸) فخر، حسین و صادقی، سالار (۱۳۹۵). قوانین جرائم ناشی از نفرت (راهنمای عملی). تهران: مجد.
- ۱۹) فروتن، مصطفی (۱۳۹۷). فاعل جرم در حقوق کیفری ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان. تهران: خرسندی.
- ۲۰) گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). حقوق جزای عمومی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۱) محمدی، حسن (۱۴۰۰). امنیت ملی و جرائم سازمان‌یافته. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی.
- ۲۲) مشروح مذاکرات اعضای شورای محترم نگهبان قانون اساسی (۱۳۹۹/۹/۵).

- ۲۳) مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵ق). اصول الفقه. قم: دارالفکر.
- ۲۴) منصورآبادی، عباس (۱۴۰۰). مفهوم و مصادیق مأموران به خدمات عمومی؛ «نقد رأی وحدت رویه شماره ۷۹۸». مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، شماره ۹، صص. ۶۵-۸۸. doi: 10.22034/mral.2021.526428.1131
- ۲۵) منصوری، سیدمهدی و صادقیان، حمیدرضا (۱۴۰۰). مبانی و اصول حاکم بر تفسیر قضایی جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۴، صص. ۲۹۵۱-۲۹۷۳. doi: 10.30510/psi.2023.383696.4255
- ۲۶) میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶). جرائم علیه اشخاص (جلد ۱). تهران: میزان.
- ۲۷) میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۹). حقوق جزای عمومی (جلد ۱). تهران: دادگستر.
- ۲۸) الهی‌منش، محمدرضا و مرادی، محسن (۱۳۹۸). جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص. تهران: مجد.
- 29) Chakraborti, Neil, & Garland, Jon. (2009). Hate crime: Impact, causes and responses. London: SAGE.
- 30) Corlett, J. A., & Francescotti, R. (2002). Foundations of a theory of hate speech. The Wayne Law Review, 48.
- 31) Hudson, David L. (2009). Hate crimes. Infobase Publishing.
- 32) Jacobs, James B., & Potter, Kimberly. (1998). Hate crimes: Criminal law and identity politics. New York: Oxford University Press.
- 33) Shaw, Margaret, & Barchechat, Oliver. (2002). Preventing hate crimes: International strategies and practice. International Centre for the Prevention of Crime.

References

- 1) Aghaeinia, Hossein (1392 SH/2013). Jarāyim-e 'Alayh-e Ashkhāsh (Shakhshiyat-e Ma'navi) [Crimes Against Persons (Moral Personality)]. Tehran: Mizan [in Persian].
- 2) Ahmadi, Hossein (1396 SH/2017). Ta'rīf va Māhiyat-e Jarāyim-e Amniyati [Definition and Nature of Security Crimes]. Shiraz: Navid [in Persian].
- 3) Aliabadi, Abdolhossein (1392 SH/2013). Huqūq-e Jināyī (Vol. 2) [Criminal Law]. Tehran: Ferdows [in Persian].
- 4) Ardebili, Mohammad Ali (1398 SH/2019). Huqūq-e Jazā-ye 'Umūmī (Vol. 1) [General Criminal Law]. Tehran: Mizan [in Persian].
- 5) Chakraborti, Neil, & Garland, Jon. (2009). Hate crime: Impact, causes and responses. London: SAGE.
- 6) Corlett, J. A., & Francescotti, R. (2002). Foundations of a theory of hate speech. The Wayne Law Review, 48.
- 7) Elahimanesh, Mohammadreza & Moradi, Mohsen (1398 SH/2019). Jarāyim-e 'Alayh-e Shakhshiyat-e Ma'navi-ye Ashkhāsh [Crimes Against the Moral Personality of Persons]. Tehran: Majd [in Persian].
- 8) Eslami, Seyyed Mohammad Hadi (1397 SH/2018). Uṣūl va Funūn-e Qānūnguzārī [Principles and Techniques of Legislation]. Tehran: Jangal [in Persian].
- 9) Fakhr, Hossein & Sadeghi, Salar (1395 SH/2016). Qavānīn-e Jarāyim-e Nāshī az Nafrat (Rāhnamā-ye 'Amālī) [Hate Crime Laws (Practical Guide)]. Tehran: Majd [in Persian].
- 10) Foroutan, Mostafa (1397 SH/2018). Fā'il-e Jurm dar Huqūq-e Kayfari-ye Īrān bā Muṭāla'ah-ye Taṭbīqī dar Huqūq-e Īrān va Ingilistān [The Perpetrator of Crime in Iranian Criminal Law with a Comparative Study in Iranian and English Law]. Tehran: Khorsandi [in Persian].
- 11) Gholami, Ali (1402 SH/2023). Huqūq-e Jazā-ye 'Umūmī dar Jumhūrī-ye Islāmī-ye Īrān (Vol. 1) [General Criminal Law in the Islamic Republic of Iran]. Tehran: Mizan [in Persian].
- 12) Goldouzian, Iraj (1398 SH/2019). Huqūq-e Jazā-ye 'Umūmī [General Criminal Law]. Tehran: University of Tehran [in Persian].
- 13) Haji Dehabadi, Ahmad (1390 SH/2011). Istīnād va Naqsh-e Ān dar Sharakat dar Jurm [Attribution and Its Role in Complicity in Crime]. Majallah-ye Taḥqīqāt-e Huqūqī [Legal Research Journal], No. 53, pp. 107-146 [in Persian].
- 14) Hudson, David L. (2009). Hate crimes. Infobase Publishing.
- 15) Jacobs, James B., & Potter, Kimberly. (1998). Hate crimes: Criminal law and identity politics. New York: Oxford University Press.
- 16) Jafari, Ali (1398 SH/2019). Jarāyim-e Amniyati va Chālīshhā-ye Huqūqī [Security Crimes and Legal Challenges]. Tehran: Dadgostar [in Persian].
- 17) Mansourabadi, Abbas (1400 SH/2021). Mafhūm va Maṣādiq-e Ma'mūrān bih Khadāmāt-e 'Umūmī; «Naqd-e Ra'y-e Vaḥdat-e Ravīyah-ye Shumārāh-ye 798» [The Concept and Instances of Public Service Officers; "Critique of the Precedent-Setting Judgment No. 798"]. Majallah-ye Pazhūhīshhā-ye Nuvīn-e

- Ḥuqūq-e Idārī [Journal of Modern Researches in Administrative Law], No. 9, pp. 65-88. doi: 10.22034/mral.2021.526428.1131 [in Persian].
- 18) Mansouri, Seyyed Mehdi & Sadeghian, Hamidreza (1400 SH/2021). Mabānī va Uṣūl-e Ḥākim bar Tafsīr-e Qazāyī-ye Jarāyim-e Iqtisādī dar Ḥuqūq-e Kayfarī-ye Īrān [Fundamentals and Principles Governing the Judicial Interpretation of Economic Crimes in Iran's Criminal Law]. Faṣḥnāmāh-ye 'Ilmī-ye Jāmi'ah-shināsī-ye Siyāsī-ye Īrān [Scientific Quarterly of Political Sociology of Iran], No. 4, pp. 2951-2973. doi: 10.30510/psi.2023.383696.4255 [in Persian].
 - 19) Mashrūḥ-e Muẓākarāt-e A'ẓā-ye Shūrā-ye Muḥtaram-e Nighahbān-e Qānūn-e Asāsī (1399 SH/2020) [Detailed Minutes of the Members of the Respected Guardian Council of the Constitution] [in Persian].
 - 20) Mirmohammadsadeghi, Hossein (1396 SH/2017). Jarāyim-e 'Alayh-e Ashkhāṣ (Vol. 1) [Crimes Against Persons]. Tehran: Mizan [in Persian].
 - 21) Mirmohammadsadeghi, Hossein (1399 SH/2020). Ḥuqūq-e Jazā-ye 'Umūmī (Vol. 1) [General Criminal Law]. Tehran: Dadgostar [in Persian].
 - 22) Mohammadi, Hasan (1400 SH/2021). Amniyat-e Millī va Jarāyim-e Sāzmān-yāftah [National Security and Organized Crimes]. Qom: Islamic Sciences Research Institute [in Persian].
 - 23) Mozaffar, Mohammad Reza (1375 AH/1956). Uṣūl al-Fiqh. Qom: Dar al-Fikr [in Arabic].
 - 24) Sadr, Mohammad Baqir (1405 AH/1985). Uṣūl al-Fiqh (1st ed.). Najaf: Dar al-Sadr [in Arabic].
 - 25) Sadri Arhami, Mohammad (1398 SH/2019). Jarāyim-e Nawẓuhūr 'Alayh-e Amniyat-e Millī (Qatl-e Hadaḥmand, Biẓtirūrism va Jarāyim-e Sāybiri) [Emerging Crimes Against National Security (Targeted Killing, Bioterrorism, and Cybercrimes)]. Tehran: Imam Hossein (A.S.) University [in Persian].
 - 26) Saffari, Ali (1395 SH/2016). 'Anāṣir-e 'Umūmī-ye Jurm [General Elements of Crime]. Tehran: Jangal [in Persian].
 - 27) Saffari, Ali (1398 SH/2019). Āyīn-e Dādrasī-ye Kayfarī dar Jarāyim-e Amniyati [Criminal Procedure in Security Crimes]. Tehran: Khorsandi [in Persian].
 - 28) Sameri, Mohsen (1393 SH/2014). Tūhīn va Iftirā dar Naẓm-e Ḥuqūqī-ye Kunūnī [Insult and Defamation in the Current Legal Order]. Māhnāmāh-ye Dādrasī [Judgment Monthly], No. 103, pp. 42-46 [in Persian].
 - 29) Sanei, Parviz (1398 SH/2019). Ḥuqūq-e Jazā-ye 'Umūmī [General Criminal Law]. Tehran: Majd [in Persian].
 - 30) Sharifi, Mohammad (1401 SH/2022). Dushvārihā-ye Kashf va Isbāt-e Jarāyim-e Amniyati [Difficulties in Discovering and Proving Security Crimes]. Tehran: Mizan [in Persian].
 - 31) Shaw, Margaret, & Barchechat, Oliver. (2002). Preventing hate crimes: International strategies and practice. International Centre for the Prevention of Crime.
 - 32) Soudmandi, Abdolmajid & Mostaghimi Qomi, Bahram (1390 SH/2011). Sukhanān-e Naḥrat-zā dar Nizām-e Bayn al-Milālī-ye Ḥuqūq-e Bashār [Hate Speech in the International Human Rights System]. Nashriyah-ye

Pazhūhishhā-ye Ḥuqūq-e Taṭbiqī [Comparative Law Research Journal], No. 2, pp. 21-42 [in Persian].

- 33) Zaydan, Abd al-Karim (1420 AH/1999). al-Mūjaz fī Uṣūl al-Fiqh. Beirut: Mu'assasat al-Risalah [in Arabic].

